

اندر حکایت قطعی برق

برق ماروزی دودفعه ناگهانی می‌رود
برق اهوازی، قمی یا اصفهانی می‌رود
از شما مسئول باوجدان تشکر می‌کنم
بابت حل کردن بحران تشکر می‌کنم
چون که خاموشی و قطعی، کلهم این وضعیت
داشته از بهر من، چندان و چندین خاصیت
برق رفته کارها مانده چهراحت می‌شوم
روزهای منفجر از استراحت می‌شوم
درس و دانشگاه را کنسل کند با رفتنش
کارهایی می‌کند این رفتن مهر افکنش
زندگی هامان همه بی استرس و یکنواخت
برق رفت وزندگی بی وقفه هيجان را شناخت
فی المثل ماندن در آسانسور چه کیفی می‌دهد
نور گوشی روی دیوارش چه طیفی می‌دهد!
یا که وقتی زیر دوشی و کفی هستی شدید
آب یک باره شود سرد و بلری مثل بید
من که سرگرم شدید با حدیث خاموشی
ای خدا از مانگیر این چندتایی دلخوشی
جدول و برنامه دیگر چیست؟ قرتی بازی است
شهروند خوب از وضعیتش همیشه راضی است
از شما مسئول فهمیده تشکر می‌کنم
بابت تصمیم سنجیده تشکر می‌کنم!

الله‌ایزدی



گرانی

هر چیز زیاد است، فراوان هم هست
هر چیز مهم تر است، پنهان هم هست
من نیز گران کرده‌ام اجناسم را
هر چیز که بنجل است، ارزان هم هست!

*

در عمر همیشه محتنی هست جدید
پس دست نباید از غم و غصه کشید
«هرگز غم دو چیز مر اید نگشت»
آبی که نیامده است و برقی که پرید!

منتیژه رضوان

پیامک روز

پرسش، پاسخ، انتقاد، پیشنهاد، تعریف، تمجید، به‌به
و چه چه خود را با کلمه «دارکوب» بفرستید:
پیامک ۰۹۹۹۲۰۰۰ و تلگرام ۰۹۳۵۴۳۹۴۵۷۶

کرونا هندی!

کرونا آمده با پر طاوس
کرونا دیگه زیادی شده لوس
نمی‌دانم برای ما خلاق
چه خوابی دیده این ویروس منحوس
کرونا گر چه خیلی حقه باز است
نشوب یک لحظه هم نویدم و مایوس

حبیب احدی

دارکوب با کارتون ممنوعیت کولر گازی کلی
خندیدم، دمت گرم.

آق کمال؛ دوست دارم خیلی زیاد، میرم کنار تا یاد
بیاد!

آق کمال: قربون دست‌تان، بی‌زحمت بگن برق هم بیاد!
چرا شرکت برق، برق خونه‌های مردم رو قطع
می‌کند؟

دارکوب: نه اتفاقا، برق مغازه‌ها و ادارها و هممه جارو
قطع می‌کنن!

دارکوب یادش به خیر زمانی که شیش سیخ کباب
سیخی شیش هزار بود!

دارکوب: یادش به خیر، البته زمان ما شیش سیخ جیگر
این قیمت بود!

رفتم بیمارستان نوبت دکتر بگیرم، گفت حضوری
نمیشه، فقط تلفنی. منم ایستادم روبه‌روش زنگ‌زد
م‌بش و برای یک ساعت دیگه نوبت گرفتم!

دارکوب: بهشون پیشنهاد می‌دادین به سامانه تلفنی
همون جا بذارن تا برای وقت گرفتن ازش استفاده کنن و
یه پولی هم از اون دربیارن!

خودم به عنوان کسی که بنگاه دارمی گویم‌وای از این
همه بی‌انصافی بعضی از صاحبخانه‌ها که پدر مستاجران را در

آورده اند و هیچ مسئولی هم نیست که به داد مستاجران برسد.

دارکوب: دم شما گرم، اقلا شما هوای مستاجرهارو
داشته باشین.

۷ گیک اینترنت، رایگان انتخابات



توثیت روز

شعار انتخاباتی برقی!

وقتی ماشین داشت رد می‌شد همه و ایمیستادیم رد
شه، بعدش به بازیکن‌های مقابل با فریادی گفتیم:
«تو این جا بودی آخه؟ اون جا بودی، برو سر جات»!
استادها از ترم بعد: قبل از کلاس حتماً تراتور
داشته باشید!
قانون پایستگی انرژی رو اون جافهمیدم که سر
کلاس آنالاین داداشم، برق استاد اومد و به جاش برق
دوتا از دانشجوهارفت!
دندان درد شرم‌کن، من بیمه نیستم!
کاش یاد بگیرم در کنار حال بدم، تحصیل رو هم
ادامه بدم!

به این فکر کنید که بلا استفاده‌ترین وسیله توی
خونه‌تون چیه، بعد تصمیم بگیرید که بیاریدش بیرون
و به به‌ورش گیر بدید و شروع کنید به تعمیر کردنش.
این فقط چند ثانیه از لایف استایل بابای منه!
یکی از این مردان آهنین رو آوردند تلویزیون، زنش
می‌گفت تو دوران آشنایی برای جلب توجه، می‌اومد
در خونه و ماشین‌هایی رو که پارک بودند، از جاشون
بلند می‌کرد!



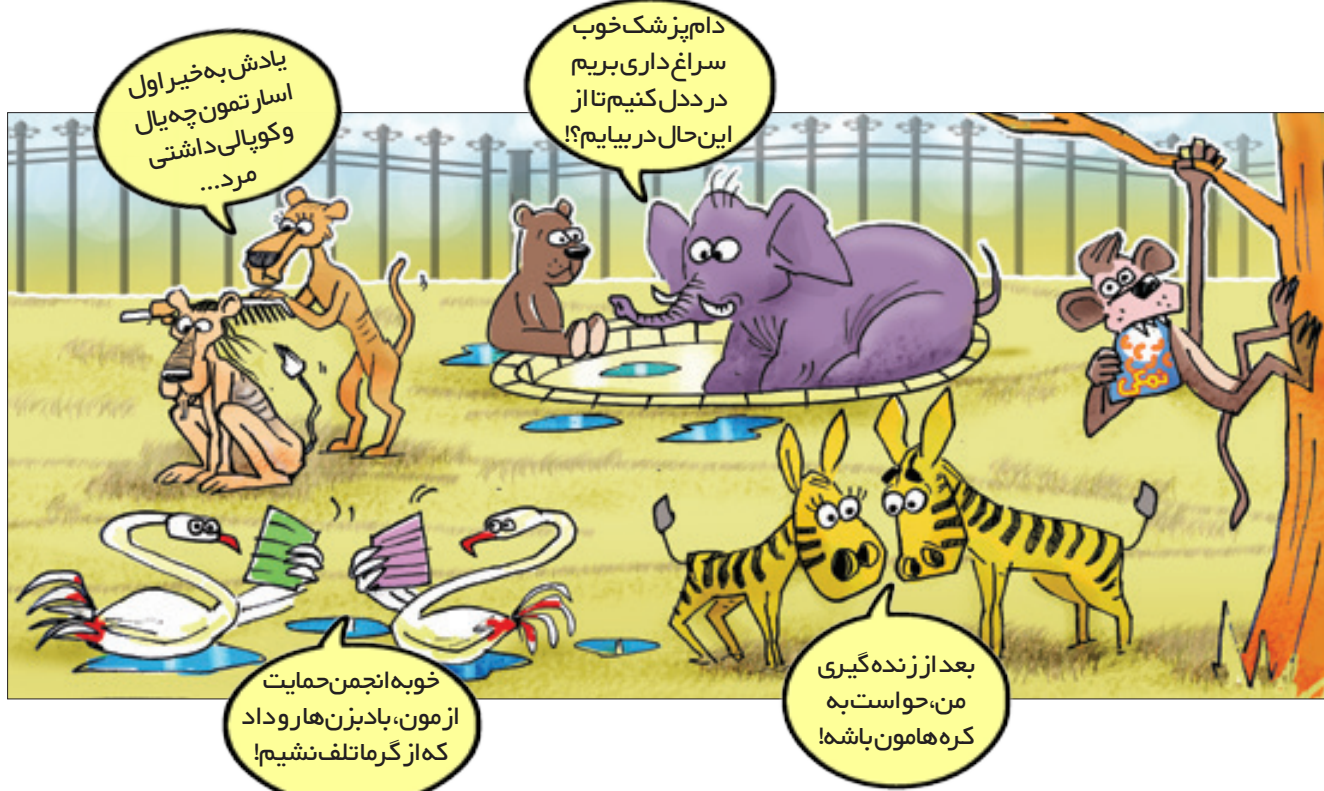
کار تونیست: هادی لگزبان

صد بار... بهت گفتم... کفش‌های منو... نبوش...

یالا در شون بیار!



داستان‌های باغ وحش‌های امروزی!



کار تونیست: خستین نقیب

از اون لحاظ

سینما با پاپ کورن و قلیان

محمد علی محمد پور

طنزپرداز

در یک آخر هفته دیگر چند خبر سینمایی تلویزیونی را با هم مرور می‌کنیم. خبر اول این که مدیر کل نظارت سینمایی خبر از پر خورده با سینماهایی داد که سالن سینما را با جای دیگر ی اشتباه گرفته بودند. پیش از این خبر رسیده بود که در دوران تعطیلی و کم‌رونقی سینماها، بعضی صاحبان سالن‌ها به اکران‌های خصوصی با قلیان و سایر مخلفات اقدام کرده‌اند. شاید پاپ کورن را هم قاضی زغال روی قلیان بار می‌گذاشته‌اند. تعارف نکنید عزیزان، چیزی کم و کسر بود بفرمایید از پارک سر کوچه فراهم کنیم؟ مجلس بی‌ریاست. لایذ سوال جدید این است که دسته‌سندلی مال ماست یا نفر بغلی که قلیان را رویش بگذاریم. در این میان عده‌ای دیگر هم پیشنهاد دادند که سریال از سینماها پخش شود یا مناظرات انتخاباتی یا مسابقات فوتبال و والیبال. دو روز دیگر حتما فیلم جشن تولد هایتان را هم می‌خواهید بروید از سینما تماشا کنید؟ انگار قرار است همه کار در سینما بشود غیر از اکران فیلم. بعد این خیل عظیم فیلم‌هایی که ساخته شده‌اند و اکران نشده‌اند هم که لایذ باید توی اینستاگرام و تلگرام پخش بشوند. این اتفاقات در حالی است که سینماها در کشورهایی مانند فرانسه با صف‌های بلندی دوباره بازگشایی شده‌اند. امیدوارم با این سرعت و اکسیناسیون که داریم پیش می‌رویم تا موقع بازگشایی، چیزی به عنوان سینما باقی مانده باشد و نبینیم سالن‌ها به مرکز دورهمی دوستان اکران قلیان و گل تبدیل شده‌اند.

دو خبر جالب هم در این هفته از امید جوان داشتیم. یکی عذرخواهی رسمی او در خندوانه به خاطر توهینی که به نویسندگان ایرانی شده بود که کار پسندیده‌ای است. اما تعداد عذرخواهی‌های ایشان در برنامه خندوانه کمی زیاد شده و به نظر می‌رسد بهتر است تمرکز کارشان را بالا ببرند. چون امید جوان همزمان یک سریال هم کار می‌کند که آن هم وضعیت عجیبی دارد. پس از نارضایتی بالایی که از طرف مخاطب درباره سریال اتفاقی افتاد سازندگان گفتند: بسیار خوب پس تا این‌جا هر چه ساخته بودیم هیچی، قسمت هفتم دوباره می‌شود قسمت اول. مگر بازی‌آثاری است که گیم‌اور شوید؟ یا اگر باز هم خوب نشد از دوباره می‌سازید تا بالاخره امید جوان، سریال‌سازی بلد شود؟ یاد دوران بچگی افتادم که مامانم و مامان بچه فامیل، پس از این که یک گندی توی زندگی ما زده بود، او را می‌آوردند و می‌گفتند: «کامبیز جان قبول داده دیگه بچه خوبی باشه و وسایل شمارا خراب نکنه» کامبیز جان هم در حالی که دست به سینه زده بود و اخمو و مرموز نگاه می‌کرد، همان موقع خودش را داشت آماده می‌کرد گند بعدی را بزند!

نیاز طنزی

به شدت نیازمندیم

به چند پژوهشگر ژاپنی برای انتشار

مجموعه مقالاتی درباره «لرزم

روشن بودن کولر در تابستان و

ارتباط آن با سر به راه شدن جوانان

و زودتر سر و سامان یافتن آن‌ها»

برای ارائه به باباهای محترم

نیازمندیم

عده‌ای از جوانان به

ستوه آمده از گرما

